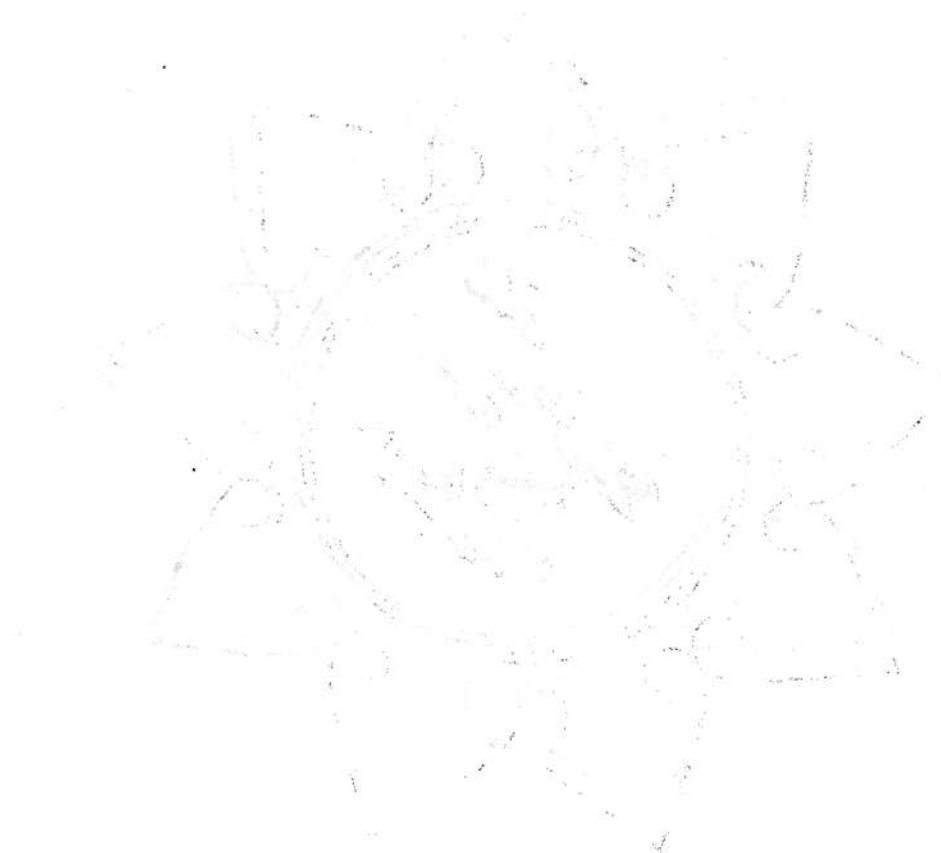




برنامه دوم

- ۱- مناجات
- ۲- لوح
- ۳- یاد نیا آشنا شویم
- ۴- بشارات کتب مقدسه- میعاد ظهور
- ۵- مبشرین حضرت ربّ اعلیٰ
- ۶- نکته
- ۷- مناجات خاتمه



هوالله

ای پروردگار، ای پناه آوارگان، تو آگاهِ فغان و آهِ صبحگاهی،
 عنایتی فرما و رحمتی کن تا جانهای مشتاقان بملکوت احدیت
 بشتابند و ارواح آوارگان در سایهٔ رحمت بیاسایند. نُفُرتِ پَر
 حُرقتِ جان را بگدازد و جِرمِان و هجرانِ روان را مرده و پژمرده
 نماید. پس ای خدای مهربان تأییدی بخش و توفیقی ده تا از
 این دایم و دانه برهیم و به آشیانهٔ رحمت برپریم و در شاخسارِ
 وحدت در حد یقهٔ عنایت با انواعِ الحان بمحایِد و نُعوتِ تو مشغول
 گردیم.

۴۴

بواسطه جناب میرزا جلال ابن سینا جناب میرزا عیسیٰ عطار
 عَلَيْهِمُ بَهَاءُ الْأَبْهَى

هوالله

ای عطار، نامهٔ اسرار بگشا و آفاق را مُشکبار نما
 تا مَشامِها از نَفحاتِ جَنَّتِ الهی مَعَطَّر و مَعْنَبَر
 گردد. تا کی خاموشی، ناطق شو و تا چند در پس
 ابری، کوکبِ شارق گرد و تا به کی مرغِ صامتِ سی
 طوطی گویا شو و تا چند ساکتی زبان به تأویلِ رؤیا
 بگشا. چون شمع روشن گرد و مانند شعلهٔ انجمن،
 توجه به ملکوتِ ابهی نما، استدعایِ نُصْرَتِ
 بی منتهی کن. در نشرِ نَفحاتِ قیام فرما تا ملاحظه
 نمائی که تأییدِ ملکوتِ ابهی چه گرامتی دارد و جنودِ
 مَلَأَ عَلَیْهِ چه قوت و قدرتی. وَعَلَيْكَ التَّحِيَّةُ وَالشَّانَاءُ.

۴۴

با دنیا آشنا شویم

جمعیت: جمعیت کره زمین در حال حاضر بیش از پنج میلیارد نفر است در حالیکه هنگام تولد "مسیح" در حدود دو بیست میلیون نفر بود یعنی کمتر از جمعیت "ایالات متحده آمریکا" در زمان ما. به عبارت دیگر جمعیت کنونی جهان ۲۵ برابر شده است. سعه
در یکی از گزارشهای "کمسیون مستقل بررسی مسائل رشد و توسعه جهان" آمده است:

"رشد حیرت انگیز کنونی جمعیت جهان تا مدت‌های دراز ادامه خواهد داشت. اکنون، در هر پنج روز، بیش از یک میلیون تن بر جمعیت جهان افزوده می‌شود. ساکنان دنیا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نزدیک به دو میلیارد نفر افزایش خواهند یافت و خود این رقم، دو برابر جمعیت دنیا در دهه نخست قرن حاضر است. $\frac{9}{10}$ از این رشد جمعیت در جهان سوم روی خواهد داد.

این حقیقتی است که انفجار جمعیت روبه فروکش دارد، با این حال تا سال ۲۰۰۰ جمعیت جهان به ۶/۵ میلیارد بالا خواهد رفت. در برابر چنین چشم اندازی به آسانی میتوان احساس درماندگی کرد. این بدان معناست که باید به فکر تأمین غذا، شغل، مسکن، آموزش و بهداشت بود، و برای کاهش گرسنگی و جوا بگویی به نیازهای گسترده مالی و اداری این جمعیت فزاینده راهی پیدا کرد." (۱)

در همان گزارش می‌خوانیم که:

"اینک در حدود هشتصد میلیون تن از مردمان دنیای سوم در پریشانی و درماندگی به سر می‌برند. بیشتر اینها بر پایه تعاریف و معیارهای موجود قادر به تأمین حد اقل خورد و خوراک خویش نیستند. مطابق بررسیهای انجام شده در پارماگا از این کشورهای فقیر، در ۲ درصد از کودکان ماقبل دبستانی، نشانه‌های کلینیکی بد غذایی و کم غذایی مشاهده شده است. هیچ کس نمی‌تواند بد رستی شمار افرادی در جهان را که در بند گرسنگی و بد غذایی گرفتارند معین کند. اما تمام برآوردها حکایت از آن دارند که این رقم باید چیزی در حدود صد میلیون باشد: صد ها میلیون تنی که بدلیل بی‌غذایی، جان می‌سپارند یا رشد بد نشان لطمه می‌بینند. این شرایطی تحمل‌ناپذیر است." (۲)

در مجله "پیام یونسکو" چنین آمده است:

"تنها در سال ۱۹۸۳ پانزده میلیون کودک خردسال در اثر گرسنگی و سوء تغذیه در مالک روبه رشد مردند. این موضوع بمثابه آن است که مجموع کودکان زیر پنجسال در کشورهای انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و جمهوری فدرال آلمان در ظرف یکسال از میان بروند. به عبارت دیگر هر دقیقه که می‌گذرد کشورهای جهان بیش از ۱/۳ میلیون دلار صرف هدنهای نظامی می‌کنند. طی همان دقیقه ۳ کودک در کشورهای فقیر می‌میرند و مرگ

"بشارات کتب مقدّسه د رباره" حضرت ربّ اعلیٰ

موم بشارات کتاب قرآن مجید

میعاد ظهور د ر کتاب قرآن مجید بصراحت یک هزار سال قید شده که این سال از رحلت امام حسن عسکری مُحاسبه میگردد د چو د ر آن تاریخ د حقیقت شریع الهی با تفسیرات و تعیینات ائمّه اطهار که آخرین ایشان "حضرت امام حسن عسکری" میباشند کامل میگردد .

د ر این مورد د رسوره "سجده آیه ۴" میفرماید :

﴿يَذُرُّ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ﴾

که مضمون این آیه مبارکه بفارسی چنین است: خد و اند امرش را تدبیر مینماید از آسمان به سوی زمین پس عروج میکند یعنی برمیگردد بسوی خدا د روزی که مقدارش هزار سال است از آنچه شما می شمارید .

خداوند با ذکر "آنچه شما می شمارید" خواسته است که بندگانش را از سرگردانی نجات دهد چون یکروز د ر نزد خداوند هزار سال محسوب. میفرماید هزار سال از آنچه شما می شمارید و اگر این هزار سال را به دو بیست و شصت سال بیفزائیم . ۱۲۶ سال میگردد .

بسیاری از آنها معلول گرسنگی و سوء تغذیه است. (۳) —
د ر ادامه این بحث خواهیم دید که چگونه منابع ثروت و نیروی —
انسانی مصروف اهداف نظامی و تولید اسلحه می گردد و بانگاهی
به آمار و ارقام پی خواهیم برد که اگر بشریت از این مصارف فارغ
و آزاد گردد چگونه میتواند به بسیاری از آمال اقتصادی و فرهنگی
خود جامه عمل بپوشاند .

مآخذ :

- (۱) — شمال — جنوب : برنامه ای برای بقا — ترجمه : هرمزهایون —
پور — انتشارات آگاه — ۱۳۶۴ . صفحات ۱۶۴ — ۱۶۳ .
- (۲) — همانجا — صفحات ۱۴۲ — ۱۴۱ .
- (۳) — پیام یونسکو (غذا برای جهانی گرسنه) — شماره ۱۶۸ ، اردیبهشت
۱۳۶۳ صفحات ۳۳ — ۳۲ .

د رتفسیر آیه شریفه * "لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ" (۱) "حضرت رسول" (ص) میفرماید :
 "إِنَّ صَلَاحَتَ أُمَّتِي فَلَهَا يَوْمٌ وَإِنْ فَسَدَتْ فَلَهَا نِصْفُ يَوْمٍ وَإِنْ يَوْمًا
 عِنْدَ رَبِّكَ كَالْفِ سَنَةِ مِمَّا تَعُدُّونَ ." (جلد سیزدهم "بِحَارُ الْأَنْوَارِ"
 تَأْلِيفِ "مَرْحُومِ مَجْلِسِي")

مضمون آیه مبارکه این است: که از برای هر امتی اجلی است یعنی روز حیات آن امت بسرآید (البته حیات معنوی آن امت) و وقتی اجل ایشان فرا رسد یک ساعت پس و پیش نمیشود .
 ومضمون حدیث مذکور این است: اگر امت من نیکوکار باشند یکروز عمر میکنند وگرنه نصف روز وروز نزد خداوند یک هزار سال است .

۱- سوره اعراف - آیه ۳۴ .

منابع مطالعه تکمیلی :

- ۱- برهان واضح - روحانی ، سید غلامرضا .
- ۲- استمرار ظهورات الهیه - بخت آور ، کمال الدین .

بشارات

میعاد ظهور

آیه شریفه: "يَذُوبُ الْآمْرُ . . ." (آیه ۴ سوره سجده مندرج در صفحه هشت) به دو مفهوم زیر تأکید دارد :

۱- مدت شریعت اسلام در قرآن کریم به دو دوره یکی دوره تدبیر و دیگری دوره عروج تفکیک شده و تصریح گردیده که ابتدا امر الهی تدبیر میشود یعنی تکمیل میگردد و سامان مییابد و سپس عروج مینماید بسوی پروردگار بطوریکه دوره عروج پس از اتمام دوران تدبیر مییابد .

۲- خداوند در این آیه مدت عروج را نیز ذکر فرموده یعنی پس از اكمال و اتمام و تدبیر، امر الهی بمدت یک "یوم" (هزارسال) در بین امت باقی میماند و رفته رفته از بین خلق زائل میگردد .
 شاهد این مقصود از د و آیه دیگر قرآن کریم که آنها نیز بر

لفظ یوم تأکید دارد بدست میآید :

یکی آیه ۳۰ سوره سبا "وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 قُلْ لَكُمْ مِيعَادٌ يَوْمَ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ"

"(معرضین) میگویند زمان این وعده کی فرامیرسد اگر راست میگوئید ؟ بگو از برای شما است میعاد روزی که ساعتی از آن مقدم یامو خرد نخواهد شد ."

و دیگری آیه ۴۷ سوره حج : "وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ"

اللَّهُ وَعَدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ .

"(مُنْكَرَانَ بِاسْتِهْزَاءٍ) برای دیدن عذاب قیامت تعجیل میکنند و خداوند هرگز وعده‌اش خلاف نمیشود و همانا که یک روز نزد پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه که شما حساب میکنید"

از آغاز ظهور اسلام تا صعود آخرین امام، حضرت امام حسن عسکری (ع) که مَرَّج و مَبِين شریعت بوده‌اند و در سال ۲۶۰ هـ. ق واقع شد دوره تدبیر امرالله بود و از آن زمان دوره عُرُوج دین شروع شد و تا هزار سال ادامه یافت و در سال ۱۲۶۰ هـ. ق موعود مُنْتَظَر در پایان "یوم" ظهور نمود. امرالهی این بارتوسط حضرت نقطه "أُولَى جَلِّ أَسْمَاءِ الْأَعْلَى مُجَدِّدًا" از سَمَاءِ مَشِيَّتِ رَبَّانِي نازل گردید.

در کتاب "اصول کافی" که از کتب معتبره اسلامی است مذکور است؛ در جواب سائلی که از حضرت امام جعفر صادق (ع) پرسیده بود: آیا برای حضرت موعود منتظر وقتی معین است که شیعیان بدانند؟ آنحضرت در جواب فرمودند:

(خیر، زیرا زمان ظهور او همان قیامتی است که خداوند در قرآن از آن خبر داده) و سپس آیاتی را که در مورد قیامت کبری در قرآن آمده یکی پس از دیگری قرائت نموده اشاره فرمود که مقصود از همه این آیات، قیام قائم موعود است.

در آثار اسلامی و قرآن کریم در خصوص معنی قیامت و تاویل آن

به یوم ظهور مظهر حق و قیام موعود روایات و آیات بیشماری میتوان یافت تا جائیکه صاحب کتاب "مِرَاتُ الْأَنْوَارِ" در مقدمه تفسیر البرهان ص ۳۵۸ ناگزیر به این موضوع اساسی اعتراف کرده و مینویسد:

آنچه از اخبار ائمه هدی معلوم میشود آنکه تمام آیاتی را که در قرآن در مورد روز قیامت آمده ائمه اسلامی بظهور موعود منتظر تاویل نموده‌اند. جمال مبارک پس از تبیین معنی لِقَاءِ اللَّهِ و قیامت در کتاب مستطاب ایقان در ادامه مطلب میفرماید:

"اگر قدری بعوالم انقطاع قدم گذاری شهادت میدهید که یومی اعظم از این یوم و قیامتی اکبر از این قیامت متصور نیست و یک عمل در این یوم مقابل است با اعمال صد هزار سنه . . ."

ایقان ص ۱۱۲

با توجه بآیات و مضامین احادیث مذکوره میتوان نتیجه گرفت که:

- ۱- برای هر امتی از جمله امت اسلام زمانی معین است که ساعتی پس و پیش نخواهد شد.
- ۲- مدت عروج شریعت اسلام با کلمه "یوم" تصریح و طول مدت آن به حساب بشری نیز معین شده که هزار سال است.
- ۳- برای جلب توجه مؤمنین به قطععی بودن ظهور موعود الفِصَاطِ "وَعَدٌ" "مِيعَادٌ" "قِيَامَتٌ" "سَاعَةٌ" و نظایر آن بکار رفته است.
- ۴- علاوه بر آیات قرآنی ائمه اطهار علیهم السلام نیز تأکید فرموده که منظور از تمام این اصطلاحات ظهور موعود اسلام است. آمدن د ر نشریه شماره ۱۳ توضیحات بیشتری درباره معنی قیامت خواهد

در کتب آسمانی و روایات اسلامی درباره این ظهور اعظم بشاراتی مسطور است. علاوه بر این بشارت نفوسی از پیشوایان ادیان با الهام از این نبوّات بنظم و نشر بصراحت و یا بصورت استعاره و رمز بشاراتی بیان نموده اند و در اغلب این بشارت با صراحت کامل تاریخ ظهور تعیین شده است.

مقارن ظهور، مبشرین در شرق و غرب عالم ظاهر شدند و قریب ظهور را نوید دادند. بعضی از آنها مکاتب و مذاهب جدیدی تأسیس نمودند مانند: نورین نیرین "شیخ احمد احسائی" و "سید کاظم رشتی" که مذهب "شیخیه" را بوجود آوردند. و مثل: "ویلیام میلر" مؤسس فرقه "آد و نیتست ها" و "ژرف اسمیت" که فرقه "مورمون ها" را تأسیس کردند. در این مقاله تحت عنوان مبشرین شرقی و مبشرین غربی مطالبی درج میگردد.

مبشرین شرقی

شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی در بیانات و آثار خود شان بشارت بظهور حضرت قائم موعود دادند و از مبشرین ظهور اعظم الهی محسوب هستند. شرح حال شیخ احمد احسائی و سید رشتی را در کتب تواریخ و توجیه احوال رجال مشهور، جمعی از علما و دانشمندان نوشته اند و "شیخ علی" پسر شیخ احمد هم رساله ای به عربی در شرح احوال پدر خود

شرح حال شیخ احمد احسائی:

اجداد شیخ اهل بادیه بودند و مذهب تسنن داشتند و معروفترین آنان موسوم به "داغرین رمضان" بود زمانی پیش آمد که در میان داغری و پدرش اختلافی پیدا شد و منجر بجنگ گردید در نتیجه داغری از پدر جدا شد و در یکی از قرای "احساء" سکونت گزید و بواسطه معاشرت با اهالی مردم احساء که شیعه بودند بتدریج مذهب تشیع را پذیرفت. پدر شیخ احمد نامش "زین الدین بن ابراهیم" بود. شیخ احمد احسائی در یکی از قرای احساء در سال ۱۱۶۸ ه. ق در ماه رجب متولد شد و نواده سوم داغری بود.

شیخ احمد در پنج سالگی قرائت قرآن را تمام کرد و از همان ایام آثار تفکر و تدبیر را آشکار بود. شیخ احمد در بیست سالگی بطرف نجف روی نهاد و پس از ورود، شهرتی عظیم یافت و علما و فضلا بحضور او شتافتند شیخ نیز به مجلس درس بعضی از علما معروف آن زمان که در عتبات بودند مانند "سید بحر العلوم" و امثال حاضر میشد سید بحر العلوم به شیخ اجازه روایت اخبار داده و او را بسیار محترم میداشت.

بواسطه بروز طاعون در عراق عرب شیخ احمد بموطن خود بازگشت و تأهل اختیار فرمود و پس از چندی با عائله به

بحرین رفت و پس از چهار سال توقف، در رجب ۱۲۱۲ هـ. ق به کربلا و نجف مراجعت نمود و در بصره توقف کرد و فائله خود را نزد خویش خواند و مدت سه سال در آنجا بود و حاکم بصره احترام شیخ را همواره مراعات میکرد. در سنه ۱۲۱۶ که طایفه وهابی به عتبات عالیات حمله نمودند و همه جا را خراب کردند و جمعی را کشتند شیخ بیکی از قراء بصره پناه برد و پس از نقل و انتقالهای متعدد بالاخره در سال ۱۲۲۱ هـ. ق با فرزند خود شیخ علی و جمعی دیگر بایران توجه کرد و به شیراز و یزد سفر نمود و همه جا مورد احترام بود از یزد به زیارت "مشهد رضاع" رفت و بر حسب درخواست مردم یزد مجدداً "بان شهر مراجعت کرد. مدتی در آن شهر اقامت کرد خانواده اش را به بصره فرستاد و بازوجه دیگری در یزد اقامت داشت و بتدریس پرداخت و "فتحعلی شاه قاجار" آوازه او را شنید بملاقاتش مایل شد و شیخ به طهران سفر کرد و مورد احترام خاقان قرار گرفت و رساله سلطانیه "یا خاقانیه" را در جواب سؤالات خاقان بنگاشت این رساله در مجموعه "جوامع الکلم" به طبع رسیده است پس از این سفر قصد کربلا نمود در راه دو سال در کرمانشاه نزد پسر فتحعلی شاه و حاکم کرمانشاه بماند. بعد از سفری که به قزوین نمود بجانب کربلا عزیمت نمود بعد زیارت خانه خدا شتافت.

اصولاً در شرح سفرهای شیخ اختلاف بسیار بین اقوال

مؤرخین موجود است و نمیتوان حقیقت را فهمید. خلاصه آنکه شیخ اغلب شهرهای ایران را که شهرتی داشته دیده است. بالاخره او آخر ایام را در مدینه منوره بسر برده است در تاریخ نبیل نوشته که شیخ در حین توجه بمدینه در بین راه مکه و مدینه وفات کرد و در بقیع مدفون شد. صاحب "روضات الجنات" مینویسد:

"... وفات شیخ احسائی در اوائل سال ۱۲۴۳ هـ. ق بوقوع پیوست در حالیکه از عمر مبارکش قریب نود (۹۰) سال میگذشت و موی سر و محاسنش بگلی سفید شده بود و او را در قبرستان بقیع در جوار ائمه (ع) دفن کردند و بیشتر مسلمین از مرگ او عزادار شدند و مراسم لازمه عزاداری را انجام دادند."

"علامه خونساری" در "روضات الجنات" شیخ را "فیلسوف عصر" خوانده است.

در "ریحانه الادب" چنین مذکور است:

"... در این او آخر نظیر او را (شیخ احمد) در فهم و معرفت و صفای حقیقت و کثرت معنویت و حسن طریقه و جودت سلیقه و علم بفرهنگ عربیه و تخلق با خلاق سنیه و عادات مرضیه و حکمت علمیه و نصاحت و بلاغت و محبت خانوادیه رسالت سراغ نداریم بلکه فقیه و محدث و در طب و نجوم و ریاضی و علم حروف و قرائت و علم اعداد و طلسمات و صنعت هم ماهر و در معرفت اصول دینی، وحید عصر

خود بود است.

عقاید شیخ : شیخ احمد احسائی "اخباری" بود (در آنزمان علمای شیعه بدو دسته "اخباری" و "اصولی" تقسیم میشدند که با یکدیگر مخالفت شدید داشتند) شیخ احمد در چند مسأله با علمای شیعه مخالفت داشت. از جمله آنکه دین را بر چهار رکن نهاد رکن توحید - رکن نبوت - رکن امامت - رکن شیعه کامل و مقصود از "شیعه کامل" فرد کاملی است که در دوران غیبت امام معصوم رابط بین خلق و امام باشد. به شیعه "کامل" باب "هم میگفتند و شیخیه شیخ احمد احسائی را باب اول و سید کاظم رشتی را باب ثانی تعبیر میکنند.

آثار شیخ : قسمتی از کتب و رسائل شیخ در "جوامع الکلم" جمع آوری شده و بطبع رسیده و کتاب "شرح الزیارة" و "شرح عرشیه" و "مشاعر" و "شرح الفوائد" شیخ نیز بطبع رسیده و بسیاری از آثارش نیز بطبع نرسیده است و بعضی آثار او را صد جلد بیشتر دانسته اند. بشارت شیخ : در بیانات و آثار شیخ بشارت ظهور موعود بطور رمز و اشاره بیان شده است.

از جمله در "رساله" رشتیه" عبری شرح مفصلی در این مورد مندرج است که در الواح مبارکه "جمالقدم جل جلاله" شرح آن نازل شده است. از جمله بشارت شیخ نسبت بظهور قائم موعود مکتوبی است بر رمز نوشته و در آخر کتاب "شرح الفوائد" آن را مندرج ساخته

و صورت آنرا "جمالقدم" جل جلاله در آخر "لوح مبارک قنّاع" فرموده اند. در ذیل "سراالتنکیس" در "رحیق مختوم" (جلد یک) درباره بشارت ظهور حضرت ربّ اعلی میتوان ملاحظه نمود.

توضیحات:

در مورد تاریخ تولد شیخ احمد احسائی اختلاف روایت موجود است. کتاب روضات الجنّات که مستربراون از آن استفاده نموده تولد شیخ را در ۱۱۶۶ هـ. ق ذکر نموده و در حاشیه "مقاله" شخصی سیّاح تولد شیخ در ۱۱۵۷ و وفاتش ۱۲۴۲ درج گردیده جناب نبیل زرنندی نیز وفات شیخ را در ۸۱ سالگی در ۱۲۴۲ - ثبت نموده.

مآخذ: "تاریخ نبیل و کتاب" حضرت نقطه اولی"

منبع مطالعه تکمیلی:

مطالع الانوار (تلخیص تاریخ نبیل زرنندی) صفحات: ۴۲-۸
فصل اول: شیخ احمد احسائی - فصل دوم: سید کاظم رشتی).

قسمتی از بدایع الآثار

لب
 در صفحه ۲۹۲ "سفرنامه حضرت عبدالبهاء" (جلد دوم) مطابقت
 زیر مند رج است که اطلاع برآن باعث مسرت خاطر و گرفتار شدن
 در رس مهم در تبلیغ امرالله میشود .

" . . . و چون بعضی از دوستان امریکا تشرف حاصل نموده طلب
 تأیید در تبلیغ امرالله میکردند بایشان میفرمودند که : "وقتی
 با بیدین ها صحبت میکنید از مضرات و مفاسد عالم طبیعت آنها
 را آگاه نمائید که این حالات از خصایص عالم حیوانست ، اما انسان
 بقوای عقلیه و احساسات وجدانیه از سایر مخلوقات ممتاز گشته تا
 تعمق در روحانیات کند ، کشف حقایق اشیا نماید ، مُجذِب
 ملکوت اعلی باشد ، در خیر نوع انسان و آسایش بشر کوشد ، ترویج
 وسائل عدل و انصاف نماید آخر بآنها بگوئید که عالم طبیعت و
 مقتضیات آنرا سیر کردید حال چندی در عالم روحانی و فضای
 نورانی بیائید اگر ضروری دیدید برگردید . از این قبیل بآنها
 صحبت کنید اما مُتَدَیِّنِین را به بشارات الهی بخوانید که تاکی
 مانند امم سابقه رغبتید ؟ آیا در خوابید و یا نابینا ؟ شمس حقیقت
 تابیده ، ابواب ملکوت باز شده ، مواهب الهیه ظاهر گشته فیوضات
 رحمانیه احاطه نموده ، تاکی بیخبرید ؟ مثل یهود که هنوز از ظهور
 غافلند و از اسم مسیح و ظهور آنحضرت در نهایت تعصب و نفرت ."

هوالات بهی

ای بخشنده و درخشنده و مهربان ، شکر تو را که
 شاهراه حقیقت نمودی و عنایت فرمودی و صبح
 روشنی طالع نمودی و فضای گلشنی و اوسع بگسترده
 در ظل شجره انیسا مأوی بخشیدی و بزم الکت
 آراستی و از جام میثاق سرمست فرمودی و در زمره
 ثابتان این دوستان را محشور نمودی ای مهربان
 توئی مؤسس عهد و پیمان ، ای یزدان توئی ملجأ
 و پناه راسخان ، ای منان توئی مُذِلّ بیخردان و
 مُنتَقِم از متزلزلان .

" درس عربی "

ضمیمه برنامه شماره ۲

درس دوم :

بهمان ترتیب درس اول عمل کرده به بقیه قسمت اول نوار و قسمت دوم نوار با استفاده از متن بدقت گوش فرا داده و چند بار این کار را تکرار کنید تا بتوانید تمام کلمات و عبارات را تا سطر ۴ با اعراب صحیح بخوانید .

توجه : لازم است هریک از اعضاء دو دفتر مخصوص عربی تهیه فرمایند . یک دفتر مخصوص تمرینات و یک دفتر مخصوص قواعدی که باید دقت بیشتری روی آنها بشود .

قواعد : همانطوریکه در بالا متذکر شدیم ، این قواعد را در دفتر مخصوص مرقوم فرمائید و توجه داشته باشید که از این مطالب در برنامه های بعدی امتحان بعمل خواهد آمد .

* * *

در زبان عربی اغلب اوقات (أل) در جلوی اسم قرار میگیرد :

الشمس ، القمر

در جلوی بعضی اسمها وقتی (أل) بیاید (ل) آن تلفظ نمیشود و حرف اول اسم تشدید میگیرد . این اسمها یکی از ۱۴ حرفی که حروف شمسی نام دارند ، شروع میشوند مثل خود کلمه شمس :

أل + شمس — الشمس

۱۴ حرف دیگر حروف قمری خوانده میشوند که این خاصیت را

ندارند ، مثل خود کلمه قمر یعنی (ل) تلفظ میشود :

أل + قمر — القمر

حروف شمسی عبارتند از : ت ، ث ، د ، ذ ، ر ، ز ، س ، ش ، ص ، ض ، ط ، ظ ، ل ، ن .

حروف قمری عبارتند از : ا ، ب ، ج ، ح ، خ ، ع ، غ ، ف ، ق ، ک ، م ، و ، ه ، ی .

حروف عربی بوسیله سه حرکت تلفظ میشوند : ضمه (ُ)

فتحه (َ) کسره (ِ)

عدم حرکت سکون نامیده میشود و علامت آن چنین است : (ْ)

یا (َ) ، (ِ) . هرگاه علامت (ص) روی همزه مشاهده

شد این حرف تلفظ نمیشود ، مانند :

فَأَشْهَدُ که خوانده میشود فَشْهَدُ

حرفی را که ضمه داشته باشد مضموم

" " " کسره " " مکسور

" " " فتحه " " مفتوح

" " " سکون " " ساکن می نامند .

تَبْصِرُهُ : فرق همزه و الف این است که همزه قبول حرکت میکند

ولی الف همیشه ساکن است ، الف از حروف شمسی و قمری

نیست .

همزه را بصورت‌های (ء - ا - و - ی - ئ) مینویسند.
تشدید: هرگاه علامت (ˆ) یعنی تشدید روی حرفی قرار گرفت،
در تلفظ روی آن تکیه میکنند.
مثل قَصَابٌ - ثُمَّ

تنوین: نون ساکنی است که در تلفظ در آخر بعضی اسم‌ها گفته
میشود ولی این حرف نون نوشته نمیشود مثلاً:
كِتَابٌ می‌خوانیم و به این شکل می‌نویسیم کتابٌ
كِتَابَيْنِ " " " " " " کتاب
كِتَابَيْنِ " " " " " " کتاباً

(توجه دارید، در این مورد یک الف
به آخر اسم اضافه میشود)

متن زیر مربوط به قسمت دوم نوار است:

- ۳۶ - ۳۷ - قَصَابٌ، اِطْلَاعٌ، مَعْلَمٌ، ثُمَّ (پس)، تَبَشِّرُ
۳۸ - تَبَشِّرُ ۳۹ - مَوْحَدٌ ۴۰ - اِقْرَأْ (بخوان)، نَاقِرًا
۴۱ - هُ ۴۲ - هُ ۴۳ - هُدِهِ، بِهِ
۴۴ - عَلِيٌّ، عَلِيٌّ ۴۵ - اَبِيهِ ۴۶ - اَنْفَانِ
۴۷ - فَوَاللَّهِ مِنْ كَانَ ۴۸ - يَرْفَعُ اللّٰهَ حُرَّتَهُ
۴۹ - وَيَكْشِفُ ضُرَّهُ ۵۰ - وَيَفْرَجُ كَرْبَهُ
۵۱ - ثُمَّ ذَكَرَ مِنْ لَدُنَّا ۵۲ - كُلٌّ مِنْ سَكَنَ
۵۳ - فَاحْفَظْ يَا اَحْمَدُ ۵۴ - ثُمَّ اقْرَأْ نَبِيَّ اَيُّمَكُ

۵۵ - فَاِنَّ اللّٰهَ ۵۶ - كَذٰلِكَ مَنَّا عَلَیْكَ

۵۷ - وَاِنَّكَ اَنْتَ اَبْقٰنُ نَبِيٍّ ذٰلِكَ

۵۸ - لَا تَضْطَرِبْ فَتَوَكَّلْ ۵۹ - رَبِّكَ وَرَبَّ آبَائِكَ

۶۰ - اَوْ يَسْمَعُوْا نَعْمَاتِهِ بِاٰذَانِهِمْ

۶۱ - وَكَذٰلِكَ اَشْهَدُ نَاهُمْ ۶۲ - قُلْ يَا قَوْمِ اِنْ تَكْفُرُوْا

۶۳ - هَا تَوَابِهٰهَا ۶۴ - لَنْ يُّقَدِرُوْا وَلَنْ يَّسْتَطِيعُوْا

۶۵ - اَنْ يَا اَحْمَدُ لَا تَنْسَ فُضْلِيْ فِيْ غَيْبَتِيْ

۶۶ - ثُمَّ ذَكَرَ اَيَّامِيْ فِيْ اَيَّامِكَ ۶۷ - ثُمَّ كَرَبْتِيْ وَغَرَبْتِيْ

۶۸ - بِحَيْثُ لَنْ يُّحَوَّلَ قَلْبُكَ ۶۹ - وَلَوْ تَضْرَبُ بِسَيْوْفِ الْاَعْدَاءِ

۷۰ - لَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ ۷۱ - لَا تَضْطَرِبْ فَتَوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ

۷۲ - حروف شمسی: ت، ث، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض،

ط، ظ، ل، ن.

حروف قمری: أ، ب، ج، ح، خ، ع، غ، ف، ق، ك،

م، و، ه، ی.

۷۳ - اَلْ رُّوْحُ، اَل رُّوْحُ ۷۴ - نُّصَحٌ، اَلنُّصَحُ، اَلْمَنْبِرُ، اَلْفِرْدَوْسُ،

اَلْبِقَاءُ

۷۵ - اَلْحَكِيْمُ، اَلْعَلِيْمُ، اَلْمَخْلِسِيْنَ، اَلْاَكْبَرُ، اَلْاَلْوَا حُ، اَلْفَرِيْدُ

اَلْعَزِيْزُ.

۷۶ - اَلنَّارُ، اَلسُّلْطٰنُ، اَللُّوْحُ، اَلصَّابِرِيْنَ، اَلشَّا كِرِيْنَ، اَلرَّحْمٰنُ

اَلرَّحِيْمُ، اَلسَّالِكِيْنَ.

لغات واصطلاحات شماره ۲

ن
الَّتْ : روز اول وزمانیکه ابتدا ندارد ، روزی که پروردگار به بندگانی
خطاب فرموده است ، الَّتْ بِرَبِّكُمْ : آیا من خدای شما
نیستم ؟

أَحَدِيَّتْ : مرتبه تجلی ذات الهی بذاتهِ لِذَاتِهِ ، یگانگی ، مقام
الوهیت

الْحَانُ : آوازه ها ، آهنگها (مفرد : لحن)

أُمَّةٌ أَطْهَارٌ : نزد شیعیان هریک از جانشینان رسول الله (ص)

یعنی دوازده امام شیعه اثنی عشریه

اسْتَهْزَأَ : برکسی خندیدن ، مسخره کردن ، سربرسرسی گذاشتن
واو را دست انداختن

اسْتِعَارَهُ : به رعایت خواستن ، عاریه گرفتن چیزی از کسی

بِلاغَتٌ : فصیح بودن ، رسائی سخن ، در اصطلاح ادب ، آوردن کلام
مطابق اقتضای مقام و مناسب حال مخاطب

تَعْجِيلٌ : شتاب کردن ، عجله کردن

تَأْوِيلٌ : تفسیر به باطن ، از معنای ظاهری خارج کردن ، معنی
واقعی ، رموز و معانی حقیقی غیر ظاهر لفظ

تَأْهَلٌ : زناشوئی کردن ، زن گرفتن ، دارای عیال و اولاد شدن

تَعَمَّقُ : غور کردن ، دور اندیشی کردن ، کنجکاوی و دقت بسیار
کردن در امری

۷۷- الْفِرْدَوْسُ ، السُّلْطَانُ ، الْعَظِيمُ ، الرَّحِيمُ ، الْعَامِلِيْنُ ،
الشَّاهِدِيْنُ ، الْبُعْدُ ، النَّصْحُ ، الْقَدِيرُ ، الظُّنُونُ .

۷۸- الْحَقُّ ، السَّجْنُ ، الْبَيَانُ ، السَّمَوَاتُ ، الْبَاطِلُ ، النَّارُ ،
الْبَلَاغُ ، الظُّنُونُ ، الْمَوْحِدُ ، الرُّوحُ ، الْمُنِيرُ ، الشَّاهِدِيْنُ ،
الْأَلْوَابُ ، الرُّوحُ .

۷۹- نِ ، هُ ، هِرْ ۸۰- هُدِيْهِ ، وَرَقَهُ

۸۱- الْفِرْدَوْسُ ۸۲- هُدِيْهِ وَرَقَهُ الْفِرْدَوْسِ

۸۳- تَغْنِيْ عَلَى أَنْفَانِ ، سِدْرَةُ الْبَقَاءِ

۸۴- قُدْسٌ ، قُدْسِ ۸۵- قُدْسِي

۸۶- مَلِيْحٌ ، مَلِيْحٌ ، قُرْبٌ ، قُرْبٌ ، كَرِيْمٌ ، أَمْرٌ ، أَمْرٌ ، تَنْوِيْسٌ

۸۷- الْكِتَابُ - كِتَابٌ

۸۸- الْقَلَمُ ، قَلَمٌ ، الْحَقُّ ، حَقٌّ ، الْكَلُّ ، كُلٌّ

۸۹- الْكِتَابُ ، كِتَابًا ، سَبِيْلًا

۹۰- شَهِيدٌ ، شَهِيدٌ ، شَهِيدٌ ، شَهِيدًا

۹۱- شَهِيدٌ ، شَهِيدٌ ، شَهِيدًا

۹۲- كُلُّ أَمْرٍ حَكِيْمٍ ، سَاحَةٌ قُرْبٍ كَرِيْمٍ ، إِلَى رَبِّهِ سَبِيْلًا ،

مِنْ لَدُنْ عَزِيْزٍ حَكِيْمٍ

۹۳- الْعَلِيْمُ ، السُّلْطَانُ ، الْحَكِيْمُ ، تَغْنِيْ ، تَبَشَّرُ ، جِوَارُ ،

تَهْدِيْ ، الْمُجِيْبِيْنَ ، تَهْدِيْ الْمُجِيْبِيْنَ ، تُخِيْرُ ، فَضَّلَ

تَسَنُّنٌ : قبولِ سُنَّتِ وطریقه کردن ، روش اهل سنت را که بعد از

پیغمبر (ص) ، ابوبکر را خلیفه می دانند

تَشِيعٌ : شیعه گردیدن ، پیرو مذهب شیعه شدن

جُنُودٌ : لشکرها ، سپاهها ، یاران (مفرد : جُنْدٌ)

جَلٌّ جَلَالُهُ : جلیل باد بزرگواری و شکوهش

حَدِيقَةٌ : باغ ، بستان ، باغی که اطرافش دیوار باشد

حَرَقَتْ : گرمی و حرارت ، سوزش ، ناامیدی

خَافَانٌ : پادشاه ، در سابق لَقَبُ پادشاهان چین و ترکستان بوده

روایات : مفرد : روایت = خبر - حکایت

رِحْلَتٌ : وفات ، مرگ ، درگذشت ، کوچ ، سفر

زُمَرَةٌ : گروه ، جمعیت (جمع : زُمَرٌ)

زَائِلٌ : از بین رونده ، دور شونده ، مُتَمَایِلٌ و کج شونده

سَنِيَّةٌ : مؤنثِ سَنِيٍّ = بلند ، عالی ، بلند مرتبه

سَفَاهِشِيَّةٌ : در آثار الهیه در مقامی بمعنای ملکوت و در مقامات

کثیره بلحاظ عُلُوِّ و سَفُوِّ آسمان بمعنای تشبیهی در

ترکیب با کلمات دیگر آمده است

شَارِقٌ : روشن ، تابان ، فروزان ، آفتاب

شَجْرَةٌ أَنيسَا : عهد و میثاق الهی در ظِلِّ این شجره گرفته شد

صَرَاحَتٌ : آشکار شدن ، پیدا شدن ، روشن شدن امر

صَامِتٌ : خاموش ، ساکت

طَالِعٌ : طُلُوع کننده ، آشکار شده ، بالا رونده

عَلَيْهِمْ بِإِثْمِ الْأَبِيهِ : روشن ترین (زیباترین) جلال و عظمت بر

ایشان باد

عَلَيْكَ التَّحِيَّةُ وَاللِّتْنَاءُ : درود و ستایش بر تو باد

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ : برایشان درود باد

نَعْمَانٌ : اَنْعَامٌ ، آه ، ناله ، بانگ ، فریاد

فُرُقَةٌ : جدایی ، دوری - کلمهٔ فِرَاقٌ نیز بهمین معنی است

فَصَاحَتٌ : روان بودن سخن ، روانی کلام و نداشتن پیچیدگی و

عَرَابَتٌ لفظ و تکرار

قُرْبٌ : نزدیکی شدن

كُوكَبٌ : ستاره

كِرَامَتٌ : بزرگی و اَرْجَمَنْدِي ، شرف و عَزَّتِ نَفْسٌ ، هر معجزه یا امر

خَارِقٌ الْعَادَةِ ای که از بزرگواری صادر شود

مَرْضِيَّةٌ : پسندیده ، مورد رضایت

مَحَامِدٌ : صفات نیکو (مفرد : مَحْمَدَةٌ)

مُرُوجٌ : رواج دهنده

مُبَيِّنٌ : آشکار کننده ، واضح و روشن کننده

مَضَامِينٌ : مفرد : مَضْمُونٌ : آنچه از کلامی مفهوم شود ، معنایی ،

مُقَصَّدٌ

مَسْطُورٌ : نوشته شده

مَثَابَةٌ : مثل ، مانند

مَرْقُوم : مسطور، نوشته شده با خط واضح

مُحَدَّث : گوینده، روایت کننده حدیث

مَضْرَات : مفرد : مَضْر = ضرر، زیان، گزند

مُنْجَذِب : جَذَب شده

مَوَاهِب : عطایا، بخششها (مفرد : مَوْهَبَة یا مَوْهَبَة)

مَأْوَى : پناهگاه، جا

مَحْشُور : برانگیخته شده، هم صحبت، همد م و همراه، گرد هم جمع شده

مَنَان : منت گذارند، از نامهای الهی، بسیار نیکویی کنند و بخشند

مَذَل : ذلیل کننده، خوارکننده

مَنْتَقِمٌ : انتقام گیرنده، عقوبت دهنده

مُتَزَلِّزِل : مُضْطَرِب، لرزان، بی ثبات

نَعُوت : أَوْصاف، مَحَامِد (مفرد : نَعْت)

نَفْحَات : بوهای خوش (مفرد : نَفْحَة)

وَاسِع : وسیع، فراخ، گشایش دهنده

اعلام شماره ۲

اخباری — یکی از اختلافاتی که در قرن دوازدهم در میان علمای شیعه اثنی عشری واقع شد قضیه اخباری و اصولی است. علمای اصولی معتقد بودند که علما و مجتهدین با قوه عقل و ادراک خود حَقَّ اسْتِنْبَاط احکام از قرآن دارند و پیشوای آنان سید محمد باقر بهبهانی مَرْجِع شیعیان بود و قیام او بر ضد علمای اخباری او را

معروف و مشتهر ساخته است و اکثر شیعه امامیه از او تبعیت کرده اند. اما اخباریون معتقد گشتند که اخبار صحیحه ائمه اطهار کاشف حقایق قرآن است نه عقل و علم محدود بشری، و علما و مجتهدین حَقَّ اسْتِنْبَاط با عقل و علم خود ندارند. پیشوای آنان شیخ یوسف بحرینی و میرزا محمد نیشابوری هستند. شیخ احمد احسائی نیز جزء علمای اخباری بود.

عَتَبَات عالیات — به مَرَاقِدِ مَتَبَرِّکَه اطلاق کنند، در نزد مسلمین شیعه مَرَاقِدِ ائمه اطهار و پیغمبر اسلام میباشد.

عِراقِ عرب — همان کشور عراق است. این نام در مقابل عراق عجم قرار گرفته است و آن ناحیه ایست در مرکز ایران شامل ایالات و ولایات مرکزی واقع بین اصفهان و همدان و طهران. اصطلاح عراق عجم در تقسیمات کشوری ایران تا انقلاب مشروطیت معمول بود. پس از آن نیز در نقشه های جغرافیائی و تقسیمات کشوری باز مورد توجه بود ولی پس از تقسیم کشور به استانهای مختلف اصطلاح مذکور مَثْرُوک گردید.

نُورِینِ نُورَین — لقبی است که در تاریخ امر به نفوس مختلف داده شده است نخست لقب د و مَبَشِّرِ عَظِیمِ الشَّانِ ظهیر حضرت ربّ اعلی شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بوده، سپس در عهد ابهلی سید محمد حسن سلطان الشهدا موسید محمد حسین محبوب الشهدا به این لقب مفتخر گردیدند.

موسسه ملی مطبوعات امری
۱۳۱ بدیع

موسسه ملی مطبوعات امری
۱۳۱ بدیع

موسسه ملی مطبوعات امری
۱۳۱ بدیع